

## نگرشی به سیستم بازدارندگی منطقه‌ای در روابط بین‌الملل: مطالعه موردی ایران و امریکا

دکتر فرهاد قاسمی\*

تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۱۵

دکتر عباس کشاورز شکری\*\*

تاریخ تأیید نهایی: ۸۸/۷/۱۵

### چکیده

بازدارندگی منطقه‌ای یکی از مهم‌ترین نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات استراتژیک، به‌ویژه بعد از جنگ سرد و سقوط اتحاد جماهیر شوروی است. در این دوره دولت‌ها، به‌ویژه قدرت‌های مداخله‌گر منطقه‌ای، با تهدیدات نوین روبه‌رو شدند. بنابر این واحدها نیازمند طراحی سیستم‌هایی هستند که مدیریت و کنترل این تهدیدات را بر عهده داشته باشند. بازدارندگی منطقه‌ای یکی از این سیستم‌هاست و مدل‌های منطقی و فیزیکی خاص خود را دارد. هم‌چنین، مجموعه‌ای از متغیرهای پیچیده و پویا، مخصوصاً موانع جغرافیایی-محدودیت‌های ساختاری، تکنولوژی نظامی ساخت‌بندی نیروهای نظامی و غیره وجود دارد که نوع سیستم بازدارندگی را شکل می‌دهد. مقاله حاضر ضمن طرح مدل‌های مختلف، سیستم بازدارندگی ایران و امریکا را تحلیل می‌کند.

**کلیدواژگان:** بازدارندگی منطقه‌ای، دوره پس‌از جنگ سرد، قدرت‌های مداخله‌گر، تهدیدهای منطقه‌ای، استراتژی‌های نظامی و غیرنظامی.

\* استادیار روابط بین‌الملل و مطالعات استراتژیک دانشگاه شیراز (fghasemi1@yahoo.com).

\*\* استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد (keshavarz@shahed.ac.ir).

## طرح موضوع

کشورها به دلیل داشتن اهداف متعارض، همیشه در معرض اقدامات نامطلوب رقبا قرار دارند، و این موضوع به ویژه در ارتباط با همسایگان و در سطوح منطقه‌ای از جدیت بیش‌تری برخوردار بوده است. لذا واحدها در جلوگیری از تحقق رفتارهای نامطلوب دیگران تلاش نموده‌اند. رفتار کشورها در طول تاریخ نیز گویای این واقعیت است. حال این مسائل مطرح است که چگونه می‌توان از بروز چنین رفتارهایی که سبب‌ساز تحمیل هزینه‌های زیادی بر واحدها خواهد شد، جلوگیری کرد، و چگونه می‌توان زمینه تحقق منافع ملی را فراهم نمود. پاسخ به چنین پرسش‌هایی، منجر به شکل‌گیری مفهوم تئوریک بازدارندگی و سیستم بازدارندگی به‌منزله مدل فیزیکی تحقق آن خواهد شد.

از بعد عملی نیز کاربرد این سیستم بعد از جنگ جهانی دوم و با پیدایش سلاح‌های هسته‌ای امری رایج شد، و مهم‌ترین سیستم تنظیم روابط دو ابرقدرت بشمار آمد. ولی با پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی و منطقه‌گرایی هژمونیک ایالات متحده آمریکا، موضوع سیستم بازدارندگی منطقه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردید. آمریکا به‌منزله قدرت پیروز میدان، خود را با تهدیدات متنوع و نوینی در سطوح منطقه‌ای روبه‌رو دید، و نظم بین‌الملل نیز ویژگی شدیداً منطقه‌ای پیدا کرد و به همین دلیل سیستم‌های مختلف مدیریت نظم و نحوه کاربرد آن‌ها در امور منطقه‌ای به‌منزله یکی از پرسش‌های تئوریک حوزه روابط بین‌الملل مطرح گردید.

از سوی دیگر، هم‌جواری و وجود حوزه‌های استراتژیک مشترک، سبب تداخل منافع کشورها و در نتیجه تهدیدات استراتژیک خواهد شد. اعمال تهدیدات علیه کشورها نیز مستلزم حوزه مکانی‌ای است که مناطق این امکان را فراهم می‌کنند. سیستم مدیریت و کنترل مرکزی نیز از مناطق به منظور تسهیل مدیریت خود بهره می‌برد. همین موضوع سیستم بازدارندگی منطقه‌ای را از منظر واحدهای درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای برجسته می‌سازد. بنابر این، پرسش اساسی این است که در حوزه روابط بین‌الملل سیستم بازدارندگی منطقه‌ای چگونه تحلیل می‌شود؛ به عبارتی جای‌گاه تئوریک آن چگونه خواهد بود.

در پاسخ به پرسش مذکور، این فرضیه مطرح می‌شود که سیستم بازدارندگی منطقه‌ای و مدل‌های آن بر اساس اجزا و حوزه‌های تشکیل‌دهنده منطقه شکل می‌گیرد. منطقه واحدهای خاصی با عنوان واحدهای مداخله‌گر تحت الحمايه، واحدهای ناراضی

منطقه‌ای و مداخله‌گران رقیب را به‌منزله کارگزاران بازدارندگی مطرح می‌کند، و محیط‌های استراتژیک خاصی را به‌منزله محیط شکل‌دهنده سیستم بازدارندگی پدیدار می‌سازد. از تعامل کارگزاران و محیط، سیستم‌های مختلف بازدارندگی به وجود می‌آید. اما به نظر می‌رسد با توجه به واقعیت‌های تجربی دو مدل بازدارندگی یک‌جانبه و گسترده از طرف مداخله‌گر و بازدارندگی غیرمستقیم و شبکه‌ای از ناحیه قدرت‌های درون منطقه‌ای در مقابل مداخله‌گر مدلهایی هستند که در امور منطقه‌ای به‌ویژه مناطق آشوب رایج‌تر اند.

در پاسخ به سوال اصلی و به منظور بررسی فرضیه، پژوهش حاضر از روش مطالعه موردی بهره خواهد برد و در این راستا برای رسیدن به هدف خود ابتدا بنیان‌های مفهومی و تئوریک موضوع را مطرح می‌کنیم. سپس به یکی از برجسته‌ترین موارد سیستم بازدارندگی منطقه‌ای حال حاضر، یعنی سیستم بازدارندگی منطقه‌ای ایران و هم‌چنین امریکا می‌پردازیم.

### بنیان‌های مفهومی

از دیدگاه نظریه‌پردازان بازدارندگی، نظم سیستمی زمانی حفظ خواهد شد که رهبران دریابند حریفان بالقوه آن‌ها در صورت رخداد رفتار نامطلوب، توان و اراده تلافی را خواهند داشت. بنابر این، در پاسخ به تجاوز بالقوه، استراتژیست‌ها بر این باورند که با افزایش توانایی‌های نظامی و نشان دادن اراده تلافی می‌توان تهدیدات بازدارنده را تقویت کرد (Wirtz, 2004). به‌طور کلی، بازدارندگی یک متغیر رابطه‌ای است. بازدارندگی محصول رابطه متقابل است و ایجاد آن به صورت یک‌جانبه و بدون درگیر شدن در چنین رابطه‌ای امکان‌پذیر نیست. در حقیقت، بازدارندگی به خودی خود شرایطی است که در درون آن یک بازدارنده به این نتیجه می‌رسد که به گونه‌ای خاص رفتار نماید که قبلاً مد نظر آن نبوده است؛ چرا که بر این باور خواهد بود که ادامه چنین رفتارهایی نتایج غیر قابل‌تحملی را در پی دارد. بازدارندگی در چنین شرایطی مستقل از ابزارها یا استراتژی‌های مطلوب مورد نظر تعریف می‌شود. در این راستا، بازدارندگی در قالب سیستم هسته‌ای، متعارف، ترس از اقدام نامتقارن، ترس از مجازات جامعه خود توسط دشمن، یا ترس از شکست نظامی در جنگ و نتایج آن، همگی بازدارندگی محسوب می‌شوند و تحت تئوری و موضوع مشابه قرار می‌گیرد. از این

منظر، بازدارندگی در قرن بیست و یکم با بازدارندگی در قرن بیستم و حتی پنج قرن قبل از میلاد تفاوتی ندارد (Gary, 2000, 255). از سوی دیگر، برخی بازدارندگی را به‌منزله بهره‌گیری از تهدیدات توسط یکی از طرفین، به منظور اقناع طرف مقابل، برای خودداری از شروع برخی از اقدامات یا اقدام مورد نظر تعریف می‌کنند (Huth, 1999, 26).

به همین سبب، تحقق بازدارندگی در روابط بین‌الملل نیازمند سیستمی خاص است که در قالب سیستم بازدارندگی تعریف می‌شود که این سیستم می‌تواند در جهت مدیریت الگوهای رفتاری سیستم تابعه منطقه‌ای و هم‌چنین ایجاد پوشش حفاظتی به منظور امکان‌پذیرسازی حرکت‌های استراتژیک در حوزه سیاست خارجی به کار گرفته شود، و به دلیل معطوف بودن آن به ایجاد شرایط بازدارندگی در یک محدوده خاص جغرافیایی، یعنی منطقه در این پژوهش، از آن به‌منزله سیستم بازدارندگی منطقه‌ای یاد می‌شود. سیستم مذکور خود بر اساس منطق و ساخت فیزیکی خاصی شکل می‌گیرد که به‌منزله مدل‌های منطقی و فیزیکی سیستم بازدارندگی مطرح هستند.

## مدل‌های سیستم بازدارندگی منطقه‌ای

### مدل منطقی

اصولاً سیستم بازدارندگی مجموعه‌ای از واحدهای درگیر در کنش متقابل است که در آن یکی از واحدها سعی می‌کند بر دیگری نفوذ کند تا از این طریق مانع شکل‌گیری رفتارهای نامطلوب آن شود و این موضوع از طریق تهدید به مجازات یا محروم‌سازی طرف از منافع قرار دارد. اصول و مبانی این سیستم نیز در واقع‌گرایی ریشه دارد. در واقع‌گرایی مهم‌ترین اصل آنارشی و فقدان اقتدار عالی در سیستم بین‌المللی است. به همین سبب، از دیدگاه نواقع‌گرایان امنیت به‌منزله مهم‌ترین معمای واحدها مطرح می‌شود. چراکه هیچ مقام عالی‌های خود را متعهد به حفظ آن نخواهد کرد و به همین دلیل اصل سوم از اصل بنیادین آنارشی حاصل می‌شود، و آن اصل خودیاری است. بر اساس اصل خودیاری، هر واحد مسؤول حفظ امنیت خود است، و منطقاً اصل چهارم، یعنی قدرت‌محوری از آن حاصل می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۶، ۱۶۱-۱۶۵) در این وضعیت رفتارها بر اساس عنصر قدرت شکل می‌گیرد، و بنابراین بسیاری از رفتارهای واحد رقیب امری نامطلوب تصور می‌گردد. به‌طور کلی از بعد منطقی، سیستم بازدارندگی از

دو بنیان تئوریک مهم برخوردار است. نخست برابری قدرت و بالا بودن هزینه جنگ بین واحدهای رقیب است که در تئوری‌های ساختاری بازدارندگی مطرح است و از سوی دیگر موضوع عقلانیت بازیگران و تصمیم‌گیرندگان و اصل محاسبه سود و هزینه اقدامات واحدهاست که در تئوری‌های مرتبط با بازیگر خردمند به آن توجه می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۶). به این ترتیب، سیستم بازدارندگی متشکل از دو یا چند واحد منسجم و عقلانی است که در گستره استراتژیک یا محیط عملیاتی استراتژیک در کنش تعارضی با یکدیگر هستند و هر کدام از آن‌ها با بهره‌گیری از عنصر قدرت در قالب ترس حاصل از آن سعی در تحمیل اراده خود بر دیگری و جلوگیری از رفتارهای نامطلوب رقیب (متخاصم) نسبت به خود دارد.

برخی نیز مانند هوت متغیرهای زیر را در شکل‌گیری سیستم بازدارندگی مهم می‌دانند:

- توازن نظامی در چارچوب نزاع‌های سرزمینی؛
- ارسال پیام‌ها و رفتارهای مبتنی بر چانه‌زنی؛
- اعتبار به منظور تأثیرگذاری بر نتایج بازدارندگی؛
- منافع مورد نظر که بر خطرپذیری طرفین موثر است. (Huth, 1999)
- به‌طور کلی تحقق چنین سیستمی مستلزم وجود متغیرهای زیر است:
- ارتباط: یعنی برقراری رابطه رسمی یا غیررسمی با حریف و آگاه ساختن آن از قصد و حدود اعمال ممنوعه؛
- توانایی؛ یعنی تحمیل خسارت غیرقابل تحمل بر دشمن؛
- عقلانیت طرفین در محاسبه سود و هزینه احتمالی رفتارهای خود؛
- اعتبار یعنی تهدید واقعی و باور حریف به این‌که طرف مقابل از چنین توانایی‌ای برخوردار است. به عبارتی، عقلانی بودن تهدید، شرط اعتبار تهدید به حساب می‌آید. (Kharyafin, 2005, 30-35)

### مدل فیزیکی بازدارندگی منطقه‌ای

بازدارندگی علاوه بر مدل منطقی، دارای مدل فیزیکی خاصی است. نخستین موضوع در سیستم بازدارندگی منطقه‌ای واحدهای درگیر در آن است. در این راستا می‌توان از دیدگاه کانتوری و اشیگل در خصوص اجزای منطقه بهره برد. از این منظر، هر منطقه

از سه بخش مرکز، پیرامون و مداخله‌گر تشکیل شده است (cantori, and spiegel, 1974). به این ترتیب، احتمال حضور واحدهای زیر در شکل دادن به سیستم بازدارندگی منطقه‌ای وجود دارد:

- قدرت مداخله‌گر منطقه‌ای؛

- قدرت‌های تحت‌الحمایه قدرت مداخله‌گر در درون منطقه؛

- قدرت یا قدرت‌های ناراضی منطقه‌ای؛

- سایر واحدهای درون منطقه‌ای (واحدهای منزوی).

در این میان به دلیل منافع ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، قدرت مداخله‌گر یکی از طرف‌های اصلی بازدارندگی منطقه‌ای است. از سوی دیگر، دو گروه از بازی‌گران دیگر در سیستم بازدارندگی نقش دارند. نخست، بازی‌گران ناراضی منطقه‌ای در قبال سیاست‌های قدرت مداخله‌گر؛ این گروه عملاً در مقابل سیستم بازدارندگی مورد نظر مداخله‌گر قرار می‌گیرد. دوم، واحدهای موجود در منطقه که تحت‌الحمایه مداخله‌گر بوده و ضمن این‌که تحت سپر ناشی از بازدارندگی منطقه‌ای مداخله‌گر هستند، نقطه هدف قدرت یا قدرت‌های ناراضی منطقه‌ای نیز قرار می‌گیرند. در حقیقت، آن‌ها به منزله محمولی برای تحمیل خسارت غیرقابل جبران بر مداخله‌گر استفاده می‌شوند. تعامل استراتژیک بین دو گروه از بازی‌گران، یعنی قدرت مداخله‌گر و قدرت یا قدرت‌های ناراضی منطقه‌ای، شکل‌دهنده سیستم بازدارندگی منطقه‌ای هستند.

دومین جزء سیستم بازدارندگی منطقه‌ای، محیط استراتژیک منطقه است. مهم‌ترین بعد از محیط استراتژیک، ساختار و نحوه توزیع قدرت بین واحدهای منطقه و همچنین تناسب قدرت منطقه، واحد یا واحدهای منطقه‌ای با قدرت مداخله‌گر است که نتیجه آن شکل‌گیری بازی‌های استراتژیک برابر یا نابرابر است. این موضوع خود را در قالب نوع سیستم بازدارندگی نشان می‌دهد.

در همین راستا و بر اساس متغیرهای مختلفی چون نوع ابزارهای استراتژیک مورد استفاده و نحوه به کارگیری قدرت و همچنین عناصر قدرت و واحدهای درگیر در فرایند بازدارندگی، انواع مختلفی از سیستم بازدارندگی شکل می‌گیرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. بازدارندگی هسته‌ای با تاکید بر کارآمدی سلاح‌های استراتژیک هسته‌ای و ترس

ناشی از کاربرد احتمالی (بوفر، ۱۳۶۷، ۱۳۵-۱۵۲)؛

۲. بازدارندگی متعارف با بهره‌گیری از سلاح‌های متعارف نظامی (Blank, ۲۰۰۴, ۳۴۳-۳۶۷)؛
۳. بازدارندگی یک‌جانبه و گسترده با هدف بازدارندگی دشمنان از حمله به متحدان منطقه‌ای؛
۴. بازدارندگی غیرمستقیم و مثلثی با تاکید بر حمله یا تحمیل خسارت بر متحدان منطقه‌ای مداخله‌گر به منظور مقابله با مداخله‌گری و جلوگیری از رفتار نامطلوب آن (Harkvay, ۲۰۰۱, ۶۳-۶۵)؛
۵. بازدارندگی شبکه‌ای با تاکید بر فضاها و فرصت‌های شبکه‌ای برای مقابله با خطرات احتمالی ناشی از مداخله مداخله‌گر و متناسب‌سازی قدرت در منطقه (Lewicki, ۱۹۹۵, ۱۸۵)؛
۶. بازدارندگی مستقیم و متقابل که در آن روابط متقابل به گونه‌ای است که هر کدام از طرفین از ناحیه دیگری احساس تهدید می‌کند. در این نوع بازدارندگی روابط متقابل شامل اغلب وضعیت‌هایی است که مورگان بازدارندگی جامع می‌داند. در آن دولت‌ها احساس تهدید می‌کنند اما در معرض خطر فوری حمله قرار ندارند. در این میان با توجه به اهمیت و کاربرد سیستم بازدارندگی یک‌جانبه، غیرمستقیم و شبکه‌ای در امور منطقه‌ای به تبیین آن‌ها پرداخته می‌شود.

### بازدارندگی یک‌جانبه منطقه‌ای

در بازدارندگی یک‌جانبه واحد درگیر در ساخت بازدارندگی، خود مستقیماً در معرض تهدید رقیب قرار نمی‌گیرد، بلکه هدف بازداشتن رقیب از حمله به متحدان خود است. در این جا دو نقش متمایز چالش‌گری و مدافع وجود دارد. در بازدارندگی یک‌جانبه و گسترده، واحد دفاع‌کننده سعی در بازداشتن مهاجم بالقوه از حمله به متحدین یا کشورهای تحت‌الحمایه خود دارد و چتر حمایتی خود را بر روی دیگران می‌گستراند و در برخی مواقع جنبه فوریت دارد که در آن تهدیدات مدافع و پاسخ‌های مهاجم در وضعیت بحرانی قرار دارد، و هر آن احتمال استفاده از نیروی مسلح وجود دارد.

### بازدارندگی غیرمستقیم و مثلثی منطقه‌ای

برخی از حوادث اخیر و سناریوهای فرضی آینده، مفهوم نوین بازدارندگی غیرمستقیم یا بازدارندگی از طریق ضربه دوم و مثلثی را مطرح کرده است. در این نوع بازدارندگی قدرت منطقه‌ای که به سبب ناتوانی تکنولوژیک، قادر به مقابله با تهدیدات مستقیم قدرت بزرگ نیست، تلاش می‌کند با تهدید به وارد ساختن همسایگان و دولت‌های نزدیک و هم‌جوار اما متحد مداخله‌گر در حوزه ضربات خود با آن مقابله کند. در حقیقت، بازدارندگی غیرمستقیم وضعیتی است که در آن قدرت ضعیف‌تر که توانایی بازداشتن قدرت قوی‌تر را ندارد، با تهدید هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیک و حتی متعارف در برابر دولت‌های کوچک‌تر و هم‌جوار خود و متحد و دوستان قدرت بزرگ و حتی دولت‌های بی‌طرف که با نزاع‌های آینده ارتباط سیاسی ندارند، بازدارندگی ایجاد کند. (Harkavy, 2001, 587)

اصولاً بازدارندگی غیرمستقیم برای تحقق سه هدف زیر کاربرد دارد:

- جلوگیری از مداخله قدرت قوی و مداخله‌گر در امور منطقه؛

- تهدید متحدان قدرت مداخله‌گر در امور منطقه؛

- تامین بقای دولت و رژیم سیاسی خود در برابر تهدیدات. (Wilkening, 1995, )

(Watman, 1995).

### بازدارندگی شبکه‌ای

مهم‌ترین گام در بازدارندگی منطقه‌ای، صرف نظر از مدل‌های آن، طراحی حوزه‌های استراتژیکی است که مفروضات منطقی سیستم بازدارندگی را تحقق می‌بخشد؛ به عبارتی، شرایطی را فراهم می‌کند که معادله سود و هزینه اقدام استراتژیک را تحت تأثیر قرار داده و باعث انحراف دشمن از حمله یا اقدام مورد نظر می‌شود. هدف اساسی در شبکه‌سازی پیوند بین حلقه‌های مختلف و به عبارتی واحدها و حوزه‌های استراتژیک و ژئوپلیتیک با یکدیگر است، به گونه‌ای که در صورت حمله به نقطه‌ای خاص از آن، سایر حلقه‌ها یا نقاط تحت تأثیر قرار گرفته و عکس‌العمل آنان را برانگیزد و از این طریق هزینه اقدام دشمن شدیداً افزایش یابد و بدین سبب از حمله منصرف شود. در این خصوص مهم‌ترین کاربردهای آن عبارتند از:

- متضرر ساختن دشمن از طریق قطع ارتباط کارکردی بین حلقه‌های شبکه؛



- ایجاد اختلال در شبکه و در نتیجه درگیر ساختن هم‌زمان دشمن در بحران‌های مختلف؛
- افزایش تعداد طرف‌های درگیر در بحران و در نتیجه افزایش فشارهای بازدارنده بر دشمن؛
- افزایش احتمال اتحاد و ائتلاف علیه دشمن؛
- افزایش احتمال سرایت بحران‌ها از سطح محلی و منطقه‌ای به سایر سطوح افقی از جمله جهانی؛
- افزایش احتمال سرایت عمودی بحران‌ها و درگیر ساختن سایر سطوح موضوعی.

### استراتژی‌های سیستم بازدارندگی

با توجه به هدف اصلی بازدارندگی که منصرف ساختن دشمن از حمله احتمالی است، و هم‌چنین با توجه به انواع وضعیت‌های استراتژیک، کشورها در سیستم بازدارندگی خود از استراتژی‌های مختلف بهره می‌برند. مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- استراتژی دفاعی‌ای چون دفاع نظامی، شبه‌نظامی و دفاع غیرنظامی؛
- استراتژی‌های تهاجمی؛
- استراتژی پیوند.

اساس تقسیم‌بندی استراتژی به انواع دفاعی و تهاجمی بر مبنای ترسیم صحنه عملیات استراتژیک است. در استراتژی تهاجمی صحنه عملیات در خاک دشمن و بیرون از محدوده سرزمین خودی ترسیم می‌شود. در حالی که در استراتژی‌های دفاعی صحنه عملیات در داخل خاک خود ترسیم و عملیات‌های مناسب طراحی خواهد شد. این نوع استراتژی‌ها خود بر اساس متغیرهای موجود در معادله دفاع-تهاجم شکل می‌گیرند. این در حالی است که استراتژی پیوند بر پیوند بین سطوح موضوعی-مکانی در قالب یک شبکه و بهره‌برداری از فضاها و شبکه مبتنی است.

### متغیرهای تأثیرگذار بر استراتژی‌های بازدارندگی منطقه‌ای

بازدارندگی منطقه‌ای مستلزم به کارگیری دو دسته از ابزارهای دفاعی و تهاجمی است که هر کدام معطوف به نقاط هدفی است. از سوی دیگر، هر کشوری دارای نقاط آسیب‌پذیر و فرصت‌هایی است که می‌تواند بر نوع روش‌های بازدارنده آن موثر واقع

گردد. اما شناخت فرصت‌ها و محدودیت‌ها، یا به کارگیری ابزارهای دفاعی/تهاجمی مستلزم شناخت عوامل تأثیرگذار بر استراتژی است. در قالب تئوریک، انتخاب استراتژی بازدارندگی ارتباط مستقیمی با تئوری دفاع-تهاجم دارد. بر اساس این تئوری دفاع یا تهاجم و نوع معادله بین آن‌ها کشورها را به اتخاذ یکی از آن‌ها سوق خواهد داد. به عبارتی سهولت دفاع و مشکل بودن تهاجم، انتخاب استراتژی دفاعی و عکس آن اتخاذ استراتژی تهاجمی را به دنبال دارد. سیستم بازدارندگی منطقه‌ای به منزله یکی از سیستم‌هایی که وظیفه تأمین نظم منطقه را بر عهده دارد، شدیداً تحت تأثیر متغیرهایی است که معادله مذکور را شکل می‌دهند. در این میان مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- جغرافیای طبیعی و فیزیکی مانند عوارض زمین، و آب و هوا؛
- جغرافیای فرهنگی از جمله نقشه پراکندگی قومی، مذهبی، و نقشه ارتباطی بین اقوام؛
- جغرافیای انسانی و نقشه پراکندگی جمعیت؛
- جغرافیای اقتصادی و نحوه پراکندگی مراکز و تاسیسات اقتصادی کشور؛
- عوارض و مناطق حساس که مقاصد انهدامی دشمن را تشکیل می‌دهند و نحوه توزیع این مناطق در کشور که می‌تواند آسیب‌پذیری‌ها را کاهش یا افزایش دهد؛
- خطوط و شبکه ارتباطی منطقه و کشور، از جمله راه‌ها، راه‌آهن، آب‌راه‌های داخلی، بنادر عمیق؛
- ساخت یا ترکیب نیروهای مسلح و ماموریت‌های واگذار شده به آن‌ها که کشور را در حوزه دفاع یا تهاجم قوی قرار می‌دهد؛
- نوع تکنولوژی نظامی، و تهاجمی یا دفاعی بودن آن؛
- پیوند بین نظام سیاسی با مردم؛ در صورت استحکام چنین پیوندی دفاع آسان‌تر خواهد شد؛
- وجود مناطق یا شبکه‌های هم‌جوار که از حساسیت ژئوپلیتیکی برخوردارند؛
- ساختار و نوع سیستم‌های بین‌الملل (درمورد برخی از ابعاد آن رجوع شود به Tang, 2004).

### سیستم بازدارندگی منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا

امریکا به دلیل تغییر وضعیت سیستم بین‌الملل و از جمله تبدیل آن به سیستم هژمونیک با وضعیت نوینی روبه‌رو است. در این میان به دلایل متعدد از جمله منطقه‌گرایی

هژمونیک و متغیرهای موجود در معادله دفاع-تهاجم سیستم بازدارندگی منطقه‌ای خود را شکل داده و در آینده به کارآمدسازی آن اقدام خواهد کرد.

### منطقه‌گرایی هژمونیک و ژئوپلیتیک تعهدات ایالات متحده

از دیدگاه کاتزنشتاین سیاست‌های ایالات متحده آمریکا سبب پدیدار شدن منطقه‌گرایی به‌منزله یکی از ویژگی‌های سیاست بین‌الملل شده است، و حتی جهانی‌شدن و بین‌المللی‌شدن و فرایندهای مرکزی و محوری که مناطق را برجسته می‌نماید، در اغلب موارد در تطابق با قدرت و مقاصد ایالات متحده آمریکا است. البته درعین حال می‌بایست بین آن‌ها فرآیند بازخورانی قائل شد (Katzenstein, 2005, 13, 24). از دیدگاه کاتزنشتاین، ایالات متحده آمریکا مناطق اساسی جهان را از طریق دولت‌های محور در قالب مدل مرکز-محور هماهنگ می‌سازد (Katzenstein, 2005, 4,8). وی شش منطقه اروپا، آسیای شرقی، آفریقا، امریکای لاتین، خاورمیانه و آسیای جنوبی را مطرح می‌کند. مناطق مذکور محصول هژمون‌اند و ارتباطی به دینامیک‌های داخلی ندارند. منطقه‌گرایی کاتزنشتاین محصول تقسیم نظامی جهان به شش فرمان‌دهی جنگی متحد است که در این میان دو منطقه اروپا و آسیای شرقی بسیار اساسی است. در این جا آلمان و ژاپن به‌منزله دو قدرت محوری عمل می‌کنند. آفریقا، امریکای لاتین و آسیای جنوبی فاقد قدرت محوری هستند. آمریکا به وجود قدرت محوری در خاورمیانه نیاز دارد، و جنگ عراق می‌تواند آن را ایجاد نماید. مدل وی مدل سلسله‌مراتبی از بالا به پایین است. از این منظر، مناطق به‌منزله بازی‌گر مطرح نیستند، بلکه ابزار دولت مسلط در سطح جهانی به شمار می‌آیند. (Kelly, 2007, 222)

از دیدگاه بوزان و ویور نیز ساختار منطقه‌ای امنیت بین‌الملل بر اساس توزیع قدرت شکل می‌گیرد. آمریکا در راس، و به دنبال آن اتحادیه اروپا، ژاپن، چین و روسیه و سرانجام سایرین در قاعده هرم قرار می‌گیرند. ساختار مذکور دارای سه نوع فضای منطقه‌ای است؛ نخست مناطقی است که توسط قدرت خارجی ایجاد می‌شود. دوم مناطقی است که از ساختار مشخصی برخوردار نیستند و روابط بین آن‌ها منجر به شکل‌گیری وابستگی متقابل نشده است و سرانجام مجموعه‌های امنیتی قرار دارند که در آن دولت‌ها و دیگر واحدها به اندازه کافی با یکدیگر پیوند دارند، به گونه‌ای که امنیت آن‌ها را نمی‌توان جدای از یکدیگر تبیین کرد. در حال حاضر سیستم به یازده مجموعه

امنیتی در سه گروه معین بر اساس تعداد قدرت‌های بزرگ در درون آن‌ها تقسیم می‌گردد. در گروه نخست مجموعه مرکزی یک قدرت جهانی وجود دارد، یا توسط نهاد جمعی سامان یافته است. گروه دوم مجموعه قدرت‌های بزرگ است که در درون آن چندین قدرت بزرگ قرار دارد؛ مانند آسیای شرقی. سرانجام مجموعه‌های استاندارد و عادی هستند که قدرت‌های بزرگی در درون آن‌ها قرار نگرفته‌اند. به هر حال، قدرت عنصر تمایزبخش مناطق از دیدگاه ایشان است. (Buzan and Waever, 2003)

ایالات متحده آمریکا از طریق شکل دادن به مراکز و محورهای منطقه‌ای، از آن به‌منزله ابزاری برای گسترش بازار و فرصت‌های سرمایه‌گذاری و هم‌چنین مقاصد استراتژیک بهره می‌برد. در عین حال آمریکا خود را متعهد به حفظ متحدینش می‌بیند. در این مسیر ایالات متحده آمریکا برای هماهنگ‌سازی و حفظ نظم سلسله‌مراتبی آن از استراتژی‌هایی مانند هژمون محلی، توازن قوای محلی و غیره بهره می‌برد (Grahame Fuller, and John Arquilla, 1996).

در نظم منطقه‌ای به‌ویژه مناطق مهم، دو مسأله اساسی برای آمریکا مطرح است. نخست، حفظ نظم بر اساس سازوکارهای محلی، و دوم، مداخله در صورت ضرورت که هر دو باعث الزامی شدن سیستم‌های بازدارندگی به‌ویژه بازدارندگی گسترده و یک‌جانبه می‌شود. در این مسیر، آمریکا در تعارضاتی درگیر خواهد شد که در آن طرف‌های سومی با عنوان واحدهای منطقه‌ای مطرح هستند و علاوه بر آن دارای متحدین متعدد منطقه‌ای است که بایستی در صورت ضرورت در حمایت از آن‌ها دست به اقدام عملی بزنند. این در حالی است که نظم خاص منطقه‌ای در قالب سیستم هژمونیک نیاز به طراحی سیستم بازدارندگی گسترده خواهد داشت.

**محیط استراتژیک و معادله دفاع-تهاجم در سیستم بازدارندگی منطقه‌ای آمریکا**  
اصولاً هژمون و کشور قوی دارای حریفان متعددی‌اند، و از سوی دیگر ممکن است با محدودیت توانایی نیز روبه‌رو شوند. در صورتی که قدرت‌های بزرگ با محدودیت در توانایی روبه‌رو شوند، اعتبارسازی آن‌ها در صحنه روابط بین‌الملل بسیار مشکل خواهد بود، و حریفان آن‌ها تهاجمی‌تر عمل خواهند کرد. در این راستا، کشور قوی به منظور اعتبارسازی آمادگی درگیر شدن در تعدادی از جنگ‌های کوچک را خواهد داشت. در صورت ضعف اعتبار یا مشخص شدن محدودیت‌ها و فشارها، از آن پس محورهای

شیطانی (از منظر قدرت بزرگ) شکل می‌گیرند (Felegenhancer, 2007, 347-362). این‌ها محورهایی‌اند که برتری قدرت بزرگ در محیط منطقه‌ای و سیستمی را به چالش خواهند کشید. به همین سبب ایالات متحده آمریکا به منزله قدرت برتر سیستمی خود را در مقابل چالشی بزرگ می‌بیند؛ چالشی که با اعتبار آن در محیط منطقه‌ای پیوند یافته است، و در صورت شکست آن زمینه برای محورهای متعدد مخالف (از دید هژمون محورهای شیطانی) فراهم می‌گردد.

دوره بعد از جنگ سرد و فروپاشی شوروی بیان‌گر چنین وضعیتی است؛ یعنی وجود چالش‌گران متعدد، و اعتبارسازی مهم‌ترین محور استراتژیک آمریکا را تشکیل می‌دهد. در این راستا برخی ظهور جهان نوین و صلح‌آمیز و برخی نیز شکل‌گیری انواع رقابت‌ها و جنگ‌ها را پیش‌بینی کرده‌اند، اما در مجموع سیستم نوین، مجموعه موزاییکی از مناطق صلح و جنگ است. مناطق صلح که بیان‌گر هم‌کاری‌های اقتصادی و نظامی بین کشورهای پیشرفته است و مناطق آشوب که بیان‌گر جنگ داخلی، جنگ بین دولت‌ها و از دید هژمون بنیادگرایی مذهبی و قومی است. (Singer and Wildavsky, 1993, Kaplan, 1996) در بحث پیرامون آینده سیاست خارجی آمریکا و نقش آن در سیستم نوین، برداشت‌های نواقع‌گرایی و رهیافت مناطق صلح و آشوب با تهدیدات نوین خارجی و منافع داخلی آمریکا در نظم نوین در هم تنیده شده‌اند و مجموعه‌ای از دشمنان و خطرات نوین را در مقابل آمریکا قرار داده است. در این میان ضمن تهدیدات ناشی از قدرت‌های منطقه‌ای، دولت‌های ضعیف و شکست‌خورده نیز دارای خلاءهای ژئوپلیتیکی هستند که از ناحیه آن‌ها ممکن است تهدیدات مختلفی ایجاد شود. این موضوع در استراتژی امنیت ملی آمریکا نیز مورد تاکید واقع شده است. (Kraxberger, 2004, p57)

به همین سبب، آمریکا به منظور حفظ موقعیت، خود را درگیر سیستمی می‌بیند که دارای چنین تهدیداتی است و بازدارندگی را برای مقابله با تهدیدات مذکور در پیش می‌گیرد. از سوی دیگر، انقلاب در امور نظامی نظم نوینی در حوزه استراتژی، شکل‌گیری دشمنان جدید و غیره پدیدار ساخته است (Ek, 2000, 844). اما عوامل موجود در معادله دفاع-تهاجم، سیستم بازدارندگی آمریکا و نوع استراتژی‌های آن را شکل می‌دهد. در این راستا، متغیرهای زیر سبب شکل‌گیری مزیت تهاجمی نسبت به استراتژی آمریکا شده است:

- ۱- فشارهای محدود ساختاری بر امریکا به دلیل هژمونیک بودن سیستم به رهبری این کشور؛
- ۲- منطقه‌گرایی هژمونیک امریکا در سیاست خارجی خود و شکل‌گیری حوزه‌های عملیاتی و استراتژیک خارج از محدوده امریکا؛
- ۳- انقلاب در امور نظامی و رهبری امریکا در حوزه تکنولوژی نظامی و پیدایش سلاح‌های نوین (نسل ششم جنگ‌ها)؛
- ۴- اعتبارسازی در سیستم بازدارندگی و جلوگیری از بروز شکاف‌های اعتباری که در صورت رخداد، منجر به شکست سیستم بازدارندگی منطقه‌ای آن خواهد شد. به همین دلیل، الگوهای رفتاری امریکا در امور منطقه‌ای بر عناصر زیر تاکید دارد:
  - الگوی رفتاری توسعه‌طلبانه؛
  - ضربه نخست؛
  - دیپلماسی مخاطره‌آمیز؛
  - عدم اولویت مذاکرات؛
  - دکترین‌های تهاجمی (Van Evera, 1998, 69-70)؛
  - مذاکرات اجبارساز.

### نوع و ویژگی سیستم بازدارندگی منطقه‌ای امریکا

امروزه در ادبیات استراتژیک امریکا، بازدارندگی صرفاً محدود به بازدارندگی هسته‌ای نیست. این موضوع به‌ویژه با فروپاشی شوروی بیش‌تر صدق می‌کند. با زوال اتحاد جماهیر شوروی، سیستم بین‌المللی از حالت دوقطبی خارج شد، و به سیستمی هژمونیک تبدیل شد. شکل‌گیری سیستم هژمونیک به رهبری امریکا، این کشور را با محیط استراتژیک نوینی روبه‌رو ساخته است. در سال ۱۹۹۲ پاول اعلام کرد که بازدارندگی انگیزه اولیه و اصلی استراتژی امنیت ملی امریکا است. هم‌چنین پیروزی ائتلاف به رهبری امریکا در جنگ خلیج فارس گفتمان نوینی را در مورد معانی، ابزار و اهداف استراتژی بازدارندگی امریکا سبب شد.

در سال ۱۹۹۳ وزیر دفاع امریکا محیط متحول امنیت ملی امریکا را این‌گونه شرح می‌دهد:  
طی دوران جنگ سرد برنامه‌ریزی نظامی ما بر اساس این نیاز بود که از لحاظ نسبت عددی، نیروهای خود را در مقایسه با نیروهای شوروی در اروپا، خاور دور و

آسیای شرقی برتری بخشیم. در حال حاضر توجه ما معطوف به نشان دادن قدرت در مناطقی است که برای منافع ما حیاتی محسوب می‌شود، و شکست قدرت‌های منطقه‌ای بالقوه متخاصم مانند کره شمالی و عراق هدف ما است. (Allen, 1995)

این گفتمان چند نتیجه را برای سیستم بازدارندگی امریکا در پی داشته است؛ از جمله:

- سیستم بازدارندگی از این پس در برابر یک دشمن واحد نخواهد بود، بلکه بایستی در برابر چندین قدرت‌های منطقه‌ای به کار گرفته شود؛
- سیستم بازدارندگی و حوزه آن متوجه منافی است که در ورای سرزمین امریکا قرار دارد، و به عبارتی گستره بازدارندگی، از امریکا فاصله زیادی خواهد داشت.
- اضافه نمودن بعد نوینی از قدرت برای جلوگیری از جنگ؛ هر چند این بعد به اندازه ابزار هسته‌ای توان ندارد اما بازدارندگی بسیار معتبرتری است؛ مخصوصاً در تعارضات منطقه‌ای که برای منافع ایالات متحده حیاتی محسوب می‌شود.
- اطمینان از این‌که نیروی نظامی متعارف نیز می‌تواند مانع جنگ‌های متعارف شود.

با رهایی امریکا از تهدید مستقیم شوروی، تهدیدات قدرت‌های کوچک و ناراضی از سیستم آغاز شد. این قدرت‌ها از توان هسته‌ای برخوردار نیستند اما توان تهدید علیه امریکا در برخی از سطوح را خواهند داشت، و لذا مفهوم نوینی را در استراتژی امریکا با عنوان تهدیدات نامتقارن پدیدار ساخته‌اند (Blank, 2004, 343-367). بدین ترتیب در دوره نوین، دکترین ونگرش نظامی و منطقه‌ای ایالات متحده امریکا معطوف به این موضوع شده است که امریکا در مناطقی از جهان که تأثیر اساسی بر منافع آن دارند، با خطراتی روبه‌روست که متمایز از خطرات اتحاد شوروی در دوره سیستم دوقطبی است. به علاوه، طوفان صحرا و پیروزی ائتلاف به رهبری امریکا، استراتژیست‌های این کشور را بر خلاف دوران جنگ سرد دوباره متوجه بازدارندگی مبتنی بر نیروهای متعارف کرد. از این جاست که موضوع بازدارندگی متعارف به‌ویژه از نوع یک‌جانبه و گسترده آن از ۱۹۸۹ به بعد از اهمیت روزافزونی برخوردار شده است.

در این راستا، استراتژی متعارف ایالات متحده در امور منطقه‌ای بر عناصر زیر تکیه دارد:

- ۱- برتری و تفوق تکنولوژیک؛ اصولاً امریکا در تعارضات منطقه‌ای درگیر خواهد شد. طرف‌های امریکا از تکنولوژی پیشرفته برخوردار نیستند، و فاصله امریکا با مناطق آن‌ها نیز ممکن است زیاد باشد. بنابر این، با برتری تکنولوژیک، امریکا می‌تواند ضمن خنثی‌سازی عنصر فاصله، پیروزی خود را قطعی کند.

۲- امنیت جمعی؛ امنیت جمعی نیز در استراتژی امنیت ملی آمریکا پیش‌بینی شده است. امنیت جمعی می‌تواند شامل استفاده از نهادهایی چون سازمان ملل متحد و مجازات‌های آن و ترتیبات دفاعی جمعی مانند ناتو باشد. البته ارزش این عنصر چندان روشن نیست، چرا که این موضوع مستلزم آن است که آمریکا امنیت خود را با منافع و اراده سیاسی دیگران پیوند زند، و علاوه بر آن ممکن است محدودیت جدی بر اقدام یک‌جانبه وارد سازد. با وجود این، آمریکا به چند دلیل نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد؛ از جمله:

- برای بهره‌گیری از توانایی‌های مورد نیاز برتری تکنولوژیک در برابر هژمون منطقه‌ای ضروری است؛
  - به بازدارندگی متعارف اعتبار و توانایی بیش‌تری می‌بخشد؛
  - از موج‌سواری دیگر قدرت‌ها جلوگیری خواهد کرد (عاملی که در سیستم‌های هژمونیک می‌تواند موجب زوال هژمون و رشد قدرت‌های رقیب باشد).
  - ۳- حضور پایدار در منطقه؛ آمریکا حضور در مناطق را به منظور ایجاد ثبات کوتاه‌مدت و بلندمدت ضروری می‌داند چرا که از دیدگاه آنان حضور مذکور می‌تواند آثار مثبت زیر را برای آمریکا در پی داشته باشد:
  - رهبری ایالات متحده، تعهد و توانایی آن را در ایجاد امنیت و دفاع جمعی و انجام عملیات‌های حفظ صلح نشان می‌دهد؛
  - به حفظ توازن منطقه‌ای کمک می‌کند؛
  - موانع امنیتی منطقه‌ای را که در غیاب آمریکا ممکن است ظاهر شوند، حذف می‌کند؛
  - حضور آمریکا به منزله بخشی از رژیم امنیت جمعی، می‌تواند خودبه‌خود ارزش بازدارندگی داشته باشد. (Zagar, 2000, 133-160)
- ویژگی دیگر استراتژی متعارف ایالات متحده در امور مناطق، یک‌جانبه و گسترده بودن آن است. علاوه بر آن، بازدارندگی یک‌جانبه مذکور بر روابط متقابل نامتقارن دلالت دارد. در محیط امنیتی نوین آمریکا، اطمینان‌سازی در متحدین نقش مهمی دارد (McInnis, 2005) در این قالب، اصولاً متحدین آمریکا می‌بایست مطمئن باشند که آمریکا از آن‌ها و منافعشان در صورت بروز تهاجم دفاع خواهد کرد، و این موضوع از میزان تعهداتش به امنیت منطقه‌ای روشن می‌شود. در این چارچوب، می‌توان استدلال کرد که بازدارندگی گسترده



نقش مهمی در اطمینان‌سازی طرف‌های منطقه‌ای آمریکا در مناطق مختلف به‌ویژه خاورمیانه و خلیج فارس و اعتباربخشی به توانایی‌ها و تهدیدات خود در مناطق مذکور دارد.

در این راستا، از دیدگاه برخی از اندیش‌مندان بازدارندگی، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های بازدارندگی آمریکا به انواع دوگانه استراتژی بازدارندگی، یعنی بازدارندگی از طریق اعمال مجازات و هم‌چنین عملیات‌های پیش‌گیرانه معطوف می‌شود (Allen, 1994, 230-231). البته این باور شکل گرفته است که سیاست‌های بازدارندگی آمریکا در امور منطقه‌ای به دلیل نوع رژیم‌های سیاسی درگیر، از طریق عملیات‌های مذکور بهتر حفظ خواهد شد. این استراتژی روش‌هایی را جست‌وجو می‌کند که رهبران مقابل را به خلع از قدرت تهدید کند.

در اجرای استراتژی عملیات‌های پیش‌گیرانه، آمریکا به روش‌هایی متوسل می‌گردد که بازدارندگی را بدون حضور دایمی امکان‌پذیر سازد. این کشور در مناطق گوناگون منافع حیاتی را برای خود قائل است و بنابر این دشمنان متنوعی نیز دارد. از سوی دیگر، پیش‌بینی زمان و مکان تهاجم نیز مشکل است. گرچه آمریکا نیروهای متعددی در اغلب مناطق حیاتی جهان دارد، اما بازدارندگی به نیروهایی وابسته است که از پایگاه‌های این کشور یا دیگر مناطق اعزام می‌شوند. این نوع عملیات‌ها برتری دشمن را در دستیابی به پیروزی سریع از بین خواهد برد، و سیاست بازدارندگی را تقویت می‌کند.

در این میان، به نظر می‌رسد دفاع موشکی کروز و بالستیک بخشی از بازدارندگی جامع و استراتژی عملیات‌های ممانعتی نیروهای اعزام شده محسوب می‌شود. در صورت شکست بازدارندگی یا عدم کاربرد آن در بحران‌های آینده، دفاع موشکی نقش موثری ایفا می‌کند. در برخی از سناریوها این موضوع نقش موثری دارد؛ از جمله در وضعیتی که چالش‌گر به تعداد کمی از موشک‌ها دسترسی داشته باشد و در کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی در برابر آمریکا و متحدین آن مطمئن نباشد، مفید خواهد بود. علاوه بر این، وجود و حضور دفاع موشکی می‌تواند به جلوگیری از بحران‌ها و تعارضات منطقه‌ای کمک کند. در بحران‌های منطقه‌ای تهدیدات ناشی از موشک‌های حریف می‌تواند باعث ضربات پیش‌گیرانه یا بازدارنده شود، و در صورت تشدید به کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی منجر می‌گردد. در این مورد، دفاع موشکی انگیزه تشدید را کاهش خواهد داد (Ayne, 1998, 161-162). در سال‌های اخیر جهان با نوع جدیدی از تسلیحات روبه‌رو شده است که در گذشته عجیب و نامتعارف به نظر می‌رسیدند، و در همین راستا برخی از نسل ششم جنگ‌ها صحبت به میان می‌آورند (Fenenko, 1994, 87). این نسل از تسلیحات نیز در

خدمت استراتژی‌های پیشگیرانه و تهاجمی امریکا قرار می‌گیرد. در مجموع، یکی از مهم‌ترین عناصر سیستم بازدارندگی منطقه‌ای که در قالب استراتژی امنیت ملی ۲۰۰۲ امریکا بیان شده و بوش نیز به آن متوسل می‌شد، موضوع عملیات‌های پیش‌گیرانه است. در این عملیات‌ها وظیفه اولیه، مشخص کردن و نابود ساختن تهدیدات قبل از رسیدن به مرزهای امریکا است. در این مسیر نیز امریکا اتحادها یا نهادهای امنیتی دائمی را ترجیح نخواهد داد. (Vayrynen, 2006, 79-80)

از بعد عملی نیز در حوزه خلیج فارس امریکا تا به حال در چندین مورد از سیستم بازدارندگی یک‌جانبه استفاده کرده است که کلیات آن را در شکل زیر می‌توان نشان داد:

### مدل بازدارندگی یک‌جانبه امریکا

- چالش‌گر: عراق

حمله به کویت به منزله تحت‌الحمایه منطقه‌ای امریکا  
شکل‌گیری بازی‌های استراتژیک بین عراق و امریکا



بازی استراتژیک نابرابر بین امریکا و عراق



شکل‌گیری معادله دفاع - تهاجم بین امریکا و عراق



ناتوانی عراق در ایجاد و به کارگیری استراتژی‌های بازدارندگی  
سیر معادله دفاع تهاجم به نفع امریکا



عدم انعطاف چالش‌گر (عراق) و مدافع (امریکا)



مدل تلافی



جنگ اول و خروج عراق از کویت (ائتلاف) (جنگ دوم و اشغال نظامی عراق)

اما در مورد ایران سیستم یک‌جانبه بازدارندگی منطقه‌ای آمریکا تا حدودی متفاوت خواهد بود و محور اساسی این تفاوت نیز به تفاوت بین معادله دفاع-تهاجم بین این دو کشور مربوط است. اما شمای کلی آن به صورت زیر است.



در مجموع و با توجه به پژوهش‌های تجربی صورت گرفته، چند قاعده رفتاری را در سیستم بازدارندگی گسترده و یک‌جانبه آمریکا در امور منطقه‌ای می‌توان مطرح ساخت:

- با توجه به منافع حیاتی آمریکا در امر منطقه‌ای، به‌ویژه در قالب منطقه‌گرایی هژمونیک مورد نظر کاتزنشتاین و منافع منطقه‌ای آن، آمریکا به‌منزله مدافع خود را مجبور به ایجاد سیستم بازدارندگی گسترده و یک‌جانبه منطقه‌ای می‌بیند.

- با توجه به تفاوت مناطق از بعد سطح قدرت واحدها، در صورتی که چالش‌گر از قدرت مطمئن برخوردار باشد، نتیجه شکل‌گیری سیستم بازدارندگی انعطاف‌پذیر توسط امریکا است.

- در برخی از مناطق امریکا و چالش‌گر از منافع شدیداً منطقه‌ای برخوردار هستند که نتیجه آن سیستم بازدارندگی گسترده یک‌جانبه خواهد بود. در این صورت جنگ به‌منزله استراتژی مطلوب تصور می‌شود.

- مذاکرت ضعیف (مبتنی بر تهدیدات کم‌هزینه) منجر به شکست بازدارندگی گسترده امریکا در امور منطقه‌ای می‌شود. به همین سبب امریکا به دنبال دیپلماسی اجبارساز در امور منطقه‌ای است. (ر.ک: Danolovic, 2001, 350-35)

### تلاقی سیستم بازدارندگی منطقه‌ای امریکا با منافع استراتژیک ج.ا. ایران

اصولاً سیستم بازدارندگی منطقه‌ای به‌ویژه توسط کشورهای ناراضی منطقه‌ای مانند ایران، در پاسخ به سیستم کنترلی قدرت مداخله‌گر طراحی می‌گردد. به عبارتی، مهم‌ترین تهدیدی که از ناحیه این کشورها، استراتژیک محسوب می‌شود و برای مقابله با آن سیستم بازدارندگی طراحی می‌شود، تهدیدات ناشی از حضور قدرت مداخله‌گر منطقه‌ای و اقدامات استراتژیک آن است. بدین ترتیب، ایران قبل از هر چیز با سیستم بازدارندگی منطقه‌ای امریکا روبه‌رو است. واقعیت‌های تجربی به‌ویژه جنگ عراق علیه ایران، حمله عراق به کویت و مداخله امریکا و متحدین آن و همچنین حمله امریکا به عراق و اشغال این کشور و موضع‌گیری‌های آن در برابر ایران، حاکی از وجود سیستم بازدارندگی گسترده و یک‌جانبه امریکا در سیستم منطقه‌ای خلیج فارس است. علاوه بر آن، امریکا نیز خود را شدیداً در معرض چالش‌های ناشی از رقبای درون منطقه‌ای می‌بیند. این موضوع، همراه با اهمیت جهانی و ژئوپلیتیک حوزه‌های استراتژیک ایران، حضور امریکا را در حوزه‌های مذکور جدی‌تر ساخته است.

از سوی دیگر، ایران طی دوران مختلف بعد از پایان جنگ سرد در معرض پاسخ‌ها یا سناریوهای متعدد سیستم بازدارندگی یک‌جانبه امریکا قرار داشته است. مهم‌ترین این سناریوها عبارتند از:

- محدودسازی و سدنفوذ که در سال ۱۹۹۳ از سوی کلیتون در قالب استراتژی مهار دوجانبه مطرح شد؛

- گزینه نظامی دوران بوش؛
- سناریو ضربه نخست توسط اسرائیل؛
- گفت‌وگو یا دیپلماسی اجبارساز اوباما؛
- چانه‌زنی بزرگ؛
- تغییر رژیم؛
- تقویت بنیه دفاعی متحدین (Katzman, 2009).

بنابر این، از نظر ج. ا. ایران، سیستم بازدارندگی یک‌جانبه منطقه‌ای امریکا در حوزه‌های استراتژیک آن، از جمله متغیرهای مهم در روابط استراتژیک منطقه‌ای کشور محسوب می‌گردد.

### بازدارندگی منطقه‌ای ایران

به دلیل تلاقی سیستم بازدارندگی یک‌جانبه و گسترده امریکا با منافع ج. ا. ایران، این کشور نیز برای جلوگیری از تحقق رفتارهای نامطلوب برخی از واحدها از جمله قدرت مداخله‌گر منطقه‌ای یعنی امریکا تلاش نموده است. به عبارتی، بخش عمده‌ای از تلاش‌های استراتژیک ایران معطوف به شکل دادن به سیستم بازدارندگی در برابر امریکا بوده است. اما چنین تلاشی مستلزم توجه به عناصر و متغیرهای متعددی است که در این جا آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

### عوامل تأثیرگذار بر سیستم بازدارندگی منطقه‌ای ج. ا. ایران

حال این پرسش اساسی مطرح است که چه عواملی بر سیستم بازدارندگی ایران موثر است؟ در این راستا متغیرهای زیر از جمله متغیرهایی‌اند که بر نوع و مدل سیستم بازدارندگی ج. ا. ایران موثرند:

- ۱- تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای؛
- ۲- جغرافیا و شبکه ارتباطی؛
- ۳- محدودیت‌های ساختاری؛
- ۴- ترکیب و ساخت نیروهای مسلح؛
- ۵- رابطه پایدار بین نظام سیاسی و مردم.

### تغییرات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای

بعد از پایان جنگ سرد و به‌ویژه جنگ عراق، تغییرات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی مهمی در محیط سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاده است. از بعد ژئوپلیتیکی وزن نسبی کشورهای منطقه تغییر کرده است. علاوه بر آن، تغییر توازن قوای منطقه‌ای خلیج فارس، تقویت نقش اسرائیل به دلیل حضور آمریکا در منطقه، تغییرات احتمالی در شورای هم‌کاری خلیج فارس و تغییر در نقشه خاورمیانه، از جمله دیگر تغییرات است. از بعد ژئواستراتژیکی نیز نیروهای نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس متمرکز شده و به پایگاه‌سازی اقدام نموده‌اند. به هر حال از نظر ایران، آمریکا به نتایج استراتژیک و سیاسی جنگ عراق در شکل دادن به آینده محیط منطقه‌ای خاورمیانه و خلیج فارس امیدوار است. از سوی دیگر، حضور مستقیم در عراق، افغانستان و مداخله در فرایندهای سیاسی پاکستان، برای جمهوری اسلامی ایران پیامدهای استراتژیک دارد. هم‌چنین، مناطق نوینی مانند آسیای میانه و قفقاز در مرزهای شمالی ایران ایجاد شده است که به دلیل موقعیت پیوندی آن با سایر مناطق نقش یکی از حلقه‌های مهم شبکه‌ای را در سیاست ایران خواهد داشت. در مجموع، هرچند برخی از ابعاد تغییرات ژئوپلیتیکی مذکور سبب تقویت جای‌گاه ایران شده است، اما این کشور با ایالات متحده آمریکا به صورت جدی در تقابل قرار گرفته است، و به نظر می‌رسد بر اثر این عامل، دو کشور به سمت نقطه تعادلی استراتژیک جدید حرکت می‌کنند، و البته دوره گذار به نقطه جدید از حساسیت زیادی برخوردار است.

از سوی دیگر، محیط متحول مذکور ضمن اعمال تهدیدات، فرصت‌های مختلفی را نیز در جهت بازدارندگی در اختیار ایران قرار می‌دهد. مهم‌ترین این فرصت‌ها در فراهم ساختن امکان استراتژی پیوند بین سطوح مکانی هم‌جوار در اطراف ایران و در نتیجه شبکه‌سازی است.

### جغرافیا و شبکه ارتباطی

دومین گروه از متغیرها که در نحوه ارزیابی استراتژیک ایران و تعیین نوع سیستم بازدارندگی و استراتژی‌های آن موثر خواهند بود، متغیرهای جغرافیایی است. جغرافیای انسانی و نحوه توزیع جمعیتی در کشور، اولین گروه از متغیرهای جغرافیایی تأثیرگذار بر سیستم بازدارندگی ایران است. بررسی نمودار پراکندگی جمعیت در کشور، گویای

این واقعیت است. در سال ۱۳۸۳ تراکم جمعیت در هر کیلومتر از کشور ۴۱ نفر، در استان تهران ۶۲۸ نفر و شهر تهران ۸۶۱۴ نفر است، و ۶/۱۰ درصد از کل جمعیت کشور در یک بیستم یک درصد از مساحت کشور در تهران زندگی می‌کنند، و در استان تهران ۷/۱۷ درصد جمعیت در محدوده ۱/۱ درصدی از مساحت کشور ساکن شده‌اند (میرحیدر، ۱۳۸۵، ۲۵-۲۶). تمرکز جمعیت در نقاط خاص سبب آسیب‌پذیری در برابر استراتژی‌های ضد شهری دشمن خواهد شد که همین موضوع استراتژی‌های دفاعی را ضروری می‌سازد.

از سوی دیگر، جغرافیای اقتصادی ایران نیز بر تمرکز فعالیت‌ها در گستره محدودی از خاک ایران دلالت دارد. در حال حاضر تهران مهم‌ترین قطب صنعتی کشور محسوب می‌شود. در سال ۱۳۸۰ از مجموع ۹۲۰۰۰۰ نفر شاغل در کارگاه‌های صنعتی با ۱۰ نفر کارگر به بالا ۲۷۴۰۰۰ نفر در تهران و یک سوم از ارزش افزوده صنعتی این کارگاه‌ها به استان تهران اختصاص دارد. علاوه بر آن، توزیع فضایی این صنایع در سطح خود استان نیز بسیار نامتوازن است و از مجموع ۱۲ شهرستان موجود در استان تهران، شهرستان تهران ۶۳/۰۳ درصد از مجموع صنایع را در خود متمرکز کرده است. در سال ۱۳۸۱ نیز از مجموع ۲۷۱۰۱ مورد از جوازهای صادر شده توسط وزارت صنایع ۲۰۴۵ مورد به استان تهران تعلق دارد (قالیباف، ۱۳۸۵، ۳-۱۲)، و این بیان‌گر روند گذشته است. بنابر این، ایران از این بعد نیز آسیب‌پذیر است، و در نتیجه بر ضرورت‌های دفاعی به دلیل وجود نقاط حساس می‌افزاید.

از سوی دیگر، تمرکز خطوط حساس نفت و گاز در حوزه غرب و جنوب ایران که اتفاقاً برخی از حریفان استراتژیک در آن ناحیه حضور دارند نیز ضرورت‌های دفاعی را تشدید می‌کند. تمرکز تاسیسات نفتی در جنوب ایران و در حاشیه خلیج فارس را نیز می‌بایست به این معادله اضافه کرد.

هم‌چنین، از بعد جغرافیای طبیعی، وضعیت ایران به گونه‌ای است که اشغال کشور بسیار مشکل است، و از سوی دیگر این امر سبب تسهیل دفاع از این کشور خواهد شد. ترکیب کوه‌ها، جنگل‌ها و کویر و شبکه ارتباطی در ایران، جغرافیایی ایجاد کرده است که نفوذپذیری این کشور را بسیار کاهش داده است. علاوه بر آن، از بعد لجستیک، شبکه ارتباطی ایران امکانات چندانی را در اختیار دشمن قرار نخواهد داد.

هم‌چنین، جغرافیای ایران به گونه‌ای است که اصل پراکنده‌سازی به‌منزله یکی از اصول تأثیرگذار بر معادله دفاع-تهاجم تحقق می‌یابد. وجود دو کویر بزرگ با عنوان دشت کویر و کویر لوت که در نواحی مرکزی و شرق ایران گسترش یافته و مناطق وسیعی بین استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمان، خراسان جنوبی، یزد، اصفهان، تهران، خراسان رضوی و شمالی را در بر می‌گیرد، امکان پراکنده‌سازی را فراهم می‌سازد. علاوه بر آن، در نواحی مرکزی ایران تراکم جمعیت به گونه‌ای است که می‌توان از آن‌ها در استراتژی ملی بهره برد.

### محدودیت‌های ساختاری

محدودیت‌های ساختاری از جمله دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر سیستم بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا، این پرسش مطرح می‌شود که این محدودیت‌ها چگونه بر این کشور اعمال خواهند شد. در پاسخ به این پرسش وقایع تجربی گویای این موضوع است که محدودیت‌های مذکور از دو طریق بر این کشور تحمیل خواهند شد: نخستین شکل در قالب بازدارندگی یک‌جانبه صورت می‌گیرد (رجوع شود به Anthony and ets, 2008). امروزه آمریکا با بهره‌گیری از موقعیت هژمونیک خود بازدارندگی یک‌جانبه و گسترده را به‌منزله سیستم کنترل منطقه‌ای پذیرفته، و در خلیج فارس، در دوره‌های مختلفی چون حمله به عراق این را نشان داده است. ایران نیز به این واقعیت آگاهی دارد اما از دیدگاه آمریکا، استراتژی مبتنی بر سیستم بازدارندگی سنتی و دیپلماسی کلاسیک، کارآمدی خود را در دوره نوین از دست داده است. این استراتژی جنبه محافظه‌کارانه دارد و مبتنی بر حفظ وضع موجود است، و در وضعیت‌های قابل پیش‌بینی کار می‌کند. زمانی که عناصر تعریف تغییر کنند، این تئوری کاربرد ندارد (Bush, 2002). از این جاست که آمریکا دکترین نوین خود را با عنوان جنگ‌های پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه به‌منزله استراتژی مکمل سیستم بازدارندگی گسترده مطرح می‌کند. عنصر اساسی در این جا تهدیدات ناشی از گسترش سلاح‌های هسته‌ای از سوی دولت‌هایی مانند ایران، عراق، کره شمالی (که آمریکا آن‌ها را محور شرارت می‌داند) تصور می‌شود. (Bush, 2002)

از سوی دیگر، منطقه خاورمیانه که جزء حوزه استراتژیک ج.ا. ایران محسوب می‌گردد، محل اعمال استراتژی‌های نوین آمریکا است. از منظر استراتژی آمریکا، ایران،



عراق، سوریه، لبنان، به علاوه کره شمالی می‌توانند در حوادث و وقایع غیر منتظره درگیر شوند. از منظر امریکا، همگی حامی تروریسم بوده و با هم‌پیمانان امریکا خصومت ذاتی دارند، و برنامه هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی را دنبال می‌کنند (Russell, 2004, 101). این مسائل اهداف زیر را در دستور کار استراتژیک امریکا، به‌ویژه در خاورمیانه، قرار داده است:

- اطمینان‌سازی کشورهای تحت‌الحمايه امریکا در قبال حملات دشمن؛
- انصراف‌سازی: دشمنان را بایستی از دنبال نمودن یا دستیابی به توانایی‌های تهدیدکننده بازداشت؛
- بازدارندگی در برابر حملات دشمنان؛
- شکست دشمنان در صورت ضرورت (www.ngdir.ir).

در دوره اخیر، به‌طور کلی دکترین استراتژیک امریکا به‌ویژه در قالب دیدگاه‌های جرج بوش، بر این عناصر تکیه دارد: تفوق و سرمایه‌داری، ممانعت از شکل‌گیری هرگونه دشمن بالقوه‌ای که خواهان تقویت زیرساخت‌های نظامی خود برای رقابت با امریکا باشد و پیش‌دستی یعنی حذف توانایی‌ها یا رژیم‌هایی که برای ایالات متحده تهدید محسوب می‌گردند. امریکا در اعمال استراتژیک خود نیز یک‌جانبه‌گرایی را در پیش گرفته است. این بدان معنی است که امریکا از طریق سیستم‌های مورد نظر خود، مخالفان منطقه‌ای از جمله ایران را شدیداً تحت فشارهای مختلف قرار می‌دهد. فشارهای مذکور به معنای محدودسازی رقبای منطقه‌ای از جمله ایران در درون مرزها و کاهش توان تهاجمی آن‌هاست، و معادله دفاع-تهاجم را به نفع دفاع منطقه‌ای قدرت ناراضی تغییر می‌دهد.

### ترکیب و ساخت نیروهای مسلح و تسلیحات نظامی

در ایران، نیروهای نظامی از دو ساخت اساسی ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل می‌شود. نیروی سپاه، جدید است، و بر اساس قانون اساسی وظیفه حفاظت از انقلاب اسلامی را بر عهده دارد. در این میان، نیروی شبه‌نظامی بسیج از جای‌گاه ویژه‌ای در استراتژی نظامی کشور برخوردار است، و به نظر می‌رسد با توجه به ساخت و کارکرد این نیرو، وظیفه دفاعی و به‌ویژه دفاع در عمق را بر عهده دارد. مانورهای برگزار شده توسط این نیرو نیز این واقعیت را نمایان می‌سازد. برای نمونه، در رزمایش

ایران مقتدر که در منطقه عمومی قم برگزار شد، مقابله با دشمن در شرایط مختلف، از جمله دفاع شهری مورد آزمایش قرار گرفت. (خبرگزاری مهر ۸۶/۸/۳)

از سوی دیگر، نوع تسلیحات نظامی ایران نیز بیش‌تر ویژگی دفاعی دارد. آزمایش موشک‌های با برد ۱۵۰ کیلومتر در دریا (وزارت دفاع ۸۶/۱/۳۱)، تلاش برای افزایش توان سیستم پدافند هوایی (وزارت دفاع ۸۶/۱/۱۷)، و ساخت ناوچه‌های موشک‌انداز سینا (وزارت دفاع ۸۶/۹/۷) گویای برتری دفاع در معادله دفاع/تهاجم در استراتژی ج.ا. ایران است؛ یا برخی از آن‌ها مانند موشک‌های قدر و عاشورا در بازدارندگی غیرمستقیم در برابر امریکا موثرند.

### ویژگی‌های محیط شبکه‌ای ج.ا. ایران

یکی دیگر از عواملی که از بعد جغرافیایی بر استراتژی ایران تأثیر دارد، موضوع جغرافیای منطقه‌ای است. ایران از بعد منطقه‌ای در حد واسط مناطق ژئوپلیتیک خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز، جنوب غربی آسیا و اروپا قرار گرفته است. منطقه خلیج فارس از بعد تولید انرژی اهمیت ژئوپلیتیکی خاصی دارد، و امریکا به‌منزله هژمون سیستم ژئوپلیتیکی بین‌الملل در آن حضور پایدار و مداوم دارد. آسیای میانه و قفقاز نیز ضمن اهمیت ژئوپلیتیکی، منطقه نفوذ روسیه است، و روسیه مستقیماً در آن نقش دارد. در جنوب غربی، هند و پاکستان به‌منزله دو قدرت هسته‌ای حضور دارند، و امریکا نیز در افغانستان حضور دارد و ناتو نیز تا مرزهای شمال غرب ایران گسترش یافته است. به این ترتیب، جغرافیای منطقه‌ای ایران شدیداً بر معادله دفاع-تهاجم و از آن طریق بر استراتژی این کشور اثرگذار است. به عبارتی، از یک طرف فشارهای ساختاری منطقه‌ای بعد تهاجمی استراتژی ایران را پرهزینه کرده، و از سوی دیگر اعمال نقش به‌منزله حلقه ارتباطی نقاط مختلف، بعد دفاعی بازدارندگی ایران را از طریق افزایش توان شبکه‌سازی تقویت می‌کند.

از بعد جغرافیای جهانی نیز ایران در کانون یکی از مهم‌ترین سیستم‌های ژئوپلیتیکی قرار گرفته است. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری سیستم هژمونیک به رهبری امریکا، خلیج فارس و خاورمیانه را به‌منزله مهم‌ترین گستره ژئوپلیتیکی مطرح می‌توان از نقشه راه، طرح خاورمیانه بزرگ، و حمله به افغانستان و عراق در این قالب نام برد. بدین ترتیب، محدودیت‌های جغرافیایی شدیدی بر استراتژی و قدرت مانور این کشور تحمیل می‌شود. از سوی دیگر، ایران با واحدهای اصلی رقیب هژمونی

امریکا یعنی روسیه و چین نیز به دلیل جغرافیایی و یا پیوند سازمانی (عضو ناظر در سازمان شانگ‌های) در یک گستره مشترک قرار می‌گیرند. این امر به شکل‌گیری یا بازتعریف شبکه استراتژیک جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کند. از این منظر، شبکه استراتژیک جمهوری اسلامی ایران ترسیم می‌گردد که با بهره‌گیری از آن می‌توان برای ایجاد بازدارندگی در برابر تهدیدات نامتقارن سیستم بازدارندگی یک‌جانبه قدرت مداخله‌گر استفاده کرد.

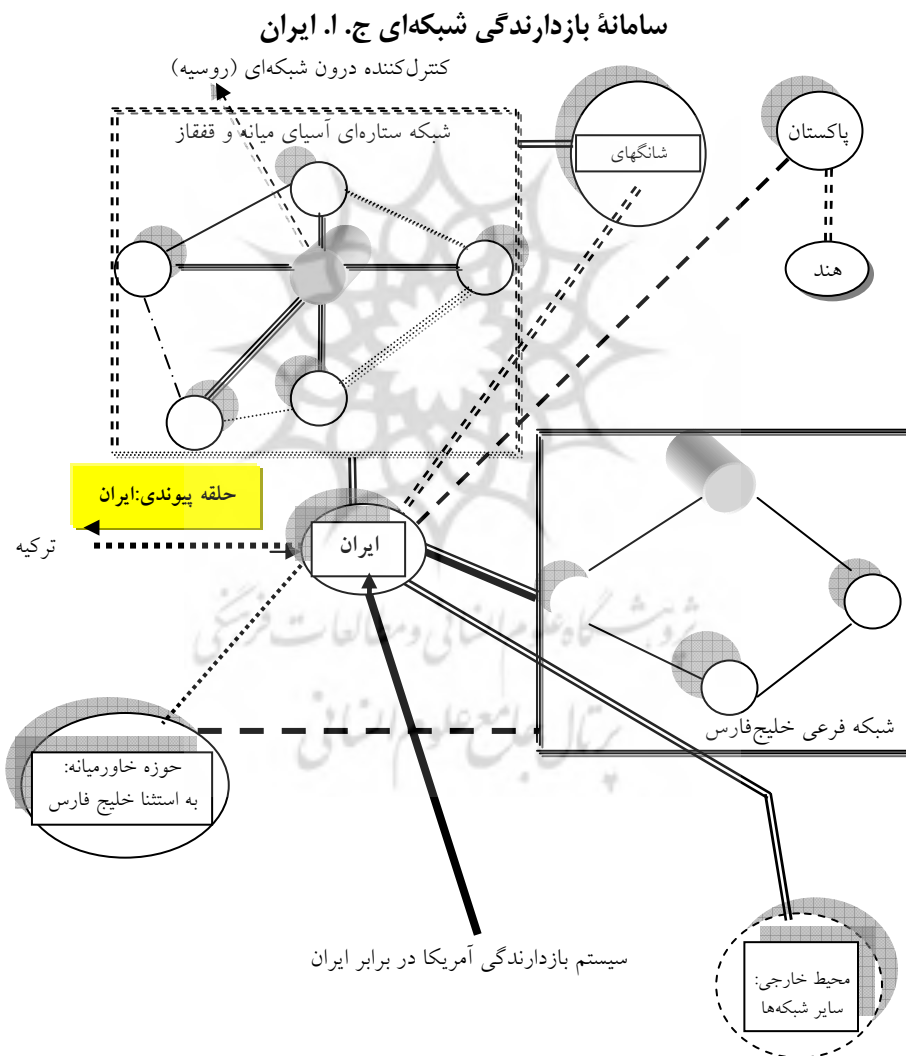
به‌طور کلی و در همین راستا، این سامانه، بر محوریت مقابله با سیستم بازدارندگی یک‌جانبه آمریکا، در یکی از مهم‌ترین حوزه‌های استراتژیک جمهوری اسلامی ایران یعنی خلیج فارس شکل می‌گیرد. در صورت هدف‌گیری این سیستم در برابر ایران، بازی استراتژیک از نوع بازی‌های نابرابر خواهد بود. به همین سبب، ایران از سامانه شبکه‌ای به منظور مقابله بهره خواهد برد. این سامانه از چندین خرده‌شبکه از جمله خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز، شانگ‌های، جنوب غربی آسیا از جمله هند و پاکستان، کمربند خاورمیانه از جمله لبنان، سوریه، فلسطین تشکیل شده است. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های این سامانه شبکه‌ای عبارتند از:

- ۱- ویژگی‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منطقه‌ای و جهانی؛
- ۲- ویژگی‌های برجسته ژئواکونومیک به‌ویژه خرده‌شبکه خلیج فارس؛
- ۳- وجود زمینه‌های بالقوه پیوند و ارتباط بین حلقه‌های سامانه از طریق ج. ا. ایران؛ مانند کریدور شمال-جنوب، خطوط لوله گاز به هند و پاکستان، هم‌کاری در انتقال نفت و گاز آسیای میانه و قفقاز به سایر نقاط جهان با هزینه کم‌ترو فرصت‌های تجاری و اقتصادی مشترک و گسترش هم‌کاری با ترکیه؛
- ۴- وجود قدرت‌های بزرگ سیستم و رقبای بالقوه آمریکا در چرخه جهانی قدرت، مانند روسیه، چین و هند، و ذی‌نفع بودن آن‌ها در سامانه مذکور؛
- ۵- وجود پیوندهای تاریخی، قومی و دینی ایران با بسیاری از حلقه‌های سامانه شبکه‌ای مذکور؛
- ۶- وجود جنبش‌های ضدسیستمی در سامانه مذکور در برابر آمریکا به‌منزله طراح سیستم بازدارندگی یک‌جانبه احتمالی در برابر ایران؛
- ۷- وجود آسیب‌پذیری‌های بالقوه در سامانه شبکه‌ای مذکور که فراهم‌کننده بازدارندگی شبکه‌ای و غیرمستقیم است؛

۸- آسیب‌پذیری‌های متحدین منطقه‌ای قدرت مداخله‌گر آمریکا در برابر سیستم بازدارندگی منطقه‌ای ایران.

### سامانه بازدارندگی شبکه‌ای ج.ا. ایران

با توجه به این ویژگی‌ها، سامانه بازدارندگی شبکه‌ای ایران را می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد:



### ویژگی‌های بازدارندگی منطقه‌ای ج. ا. ایران

با توجه به معادله دفاع-تهاجم ایران، ساخت کلی سیستم بازدارندگی آن از نوع دفاعی است. در این راستا و بر پایه الزامات تئوریک، سه نوع بازدارندگی دفاعی مطرح می‌شود:

- استراتژی بازدارندگی متعارف دفاعی؛

- بازدارندگی غیرمستقیم؛

- بازدارندگی شبکه‌ای.

در حوزه بازدارندگی، سیستم متعارف دفاعی ایران به چند دلیل دارای مزیت است:

- عناصر موجود در معادله دفاع، تهاجم تشویق‌کننده دفاع است؛

- محیط خارجی ایران ناآرام بوده و افزایش سطح تنش در این محیط مطلوب ایران

نیست؛

- ساخت جغرافیایی و نقشه ژئوپلیتیکی ایران از جمله ترکیب کوه‌ها، کویرها و جنگل‌ها، به گونه‌ای است که ایران را دفاع‌پذیر نموده و به همین سبب با هزینه بسیار کمتر از تهاجم می‌تواند محیط امنیتی خود را به صورت مطلوب حفظ کند.

- ساخت نیروهای مسلح ج. ا. ایران به گونه‌ای است که بیش‌تر ویژگی دفاعی دارد.

برای نمونه، ساختار نیروهای بسیج چنین تمایلی را در استراتژی ایران سبب خواهد شد.

بازدارندگی غیرمستقیم و مثلثی دومین سیستم مطلوب دفاعی است. اصولاً یکی از روش‌های منطقه‌ای قدرت مداخله‌گر، بهره‌گیری از سیستم بازدارندگی گسترده و یک‌جانبه است. با توجه به عدم تقارن استراتژیک مداخله‌گر و ایران، سیستم‌های بازدارندگی مستقیم و دوجانبه یا متقابل می‌تواند خطرناک باشد. به همین دلیل از آن‌جا که هدف بازدارندگی گسترده مداخله‌گر، حفظ متحدین منطقه‌ای ارزش‌مند آن است، بازدارندگی منطقه‌ای غیرمستقیم می‌تواند با هدف‌گیری آن‌ها، نسبت به خنثی‌سازی تهدیدات احتمالی موثر باشد؛ ضمن این‌که چنین کشورهایی را نیز در وارد شدن به تعارضات احتمالی قدرت مداخله‌گر با ایران به اندیشه وادار کند.

سرانجام سیستم بازدارندگی شبکه‌ای، سومین سیستم کاربردی استراتژیک محسوب می‌شود. جای‌گاه ایران در نقشه ژئوپلیتیک منطقه و سامانه شبکه‌ای آن، مزیت خاصی به این کشور در به کارگیری این سیستم می‌بخشد. قرار گرفتن بین سه منطقه ژئوپلیتیک مهم خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز و جنوب غربی آسیا، مزیتی است که کشورهای

محدودی از آن برخوردارند اما آن‌چه در استراتژی ایران مهم تلقی می‌گردد، پیوند این سه حلقه با یکدیگر است. ایران در حال حاضر با بهره‌گیری از کریدور شمال جنوب و خط لوله گاز و افزایش سطح همکاری‌ها با ترکیه، به‌منزله حلقه پیوندی آن را دنبال می‌کند و بایستی در آینده استراتژی‌های دیگری نیز از جمله پیوستن به برخی از رژیم‌های منطقه‌ای در حال تکامل، مانند شانگهای را پیگیری می‌کند یا در ایجاد رژیم‌های جدید منطقه‌ای یا تقویت رژیم‌های موجود گام برمی‌دارد. بر این اساس، سیستم بازاریابی شبکه‌ای در حوزه استراتژیک ایران از سه مزیت اساسی برخوردار است:

- ۱- از نقش منفی برخی از مناطق مانند خلیج فارس در شکل‌دهی محیط امنیتی ایران خواهد کاست یا حداقل از شدت آن می‌کاهد؛
- ۲- با پیوند حلقه‌های مذکور، ضمن افزایش توان چانه‌زنی ایران، از توان و قدرت مانور قدرت‌های مداخله‌گر از جمله آمریکا می‌کاهد؛
- ۳- در مواقع ضروری از توان بازاریابی شبکه در برابر دشمن استفاده می‌شود.

## منابع

۱. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۴)، *اصول روابط بین‌الملل*، تهران، نشر میزان.
۲. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۶)، *دیپلماسی و روابط بین‌الملل*، تهران، نشر میزان.
۳. قالیباف، محمد باقر (۱۳۸۵)، «درآمدی بر چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران در قرن ۲۱ با تمرکز بر اقتصاد در کلان شهر ملی».
4. Allen, Charles .t (1994), Extended Conventional Deterrence: from Cold and out of the Nuclear Fire? ,*The Washington quarterly*,17:3 pp: 230 -231.
5. Blank, Stephan (2004), "Rethinking the Concept of Asymmetric Threats in Us Strategy", *comparative strategy*, 23,pp: 343-367.
6. Bush, George W (jun 2002), President Delivers Graduation Speech at West Point: Washington DC, the White House, June 1.
7. Cantori, Louis j. and Steven I.Spiegel (1974), *The International Oolitics of Regions: a Comparative Approach*, (London, Prentice Hall.
8. Danilovic, Vesna (2001), The Sources of Threat Credibility in Extended Deterrence, *Journal of Conflict Resolution*, vol, 45, no, 3, pp.341-369
9. Deutch. W (1978), *The Analysis of International Relations*: Englewood Cliff, prentice –hall.
10. Ek, Richard (2000), "A Revolution in Military Geopolitics?" *Political gography*, 19, pp: 841- 874.
11. Felgenhauer, Mike (2007), "A Sheriff, Two Bullets and Three Problems", *Public Choice*, 130:347–362.
12. Fuller, Graham E, And John Aquila (1996), "The Intractable Problem of Regional Powers", *Orbis*, vol 40, issue 4, pp609-621.
13. Garnham, David (1996), *Deterrence Essentials*, Emirate Center for Strategic Studies and Research.

14. Gary, Colins (2000), Deterrence in the 21st Century, *Comparative Strategy*, 19, pp: 255-261.
15. Harkavy, Robert (2001), "Triangular or Indirect Deterrence Theory?" *Comparative Strategy*, 17, pp: 63-65.
16. Huth, Paul K (1999), Deterrence and International Conflict: Empirical Findings and Theoretical Debates, *annual, rev political science*, pp25-48.
17. Kaplan (1996), *The End of Earth*, New York, Random House. 18.
18. katzman, Kenneth (2009), "Iran, United State, Concerns and Policy Responses," *Journal of International Security, Assistance Management*, 31, 2, pp75-86.
19. Kelly, Robert, E (2007), "Security Theory in New Regionalism", *International Studies Review*, 9, pp: 197-229.
20. Kharyafin A.I (2005), "Conceptual Principle of Strategic Deterrence", *Military Thought*, 14, 1, pp: 30-35.
21. Kraxberger, Brennan. M (2004), "The United States and Africa: Shifting Geopolitics in an Age of Terror", *Africa today*, pp47-68.
22. Lemke, Douglas (2002), *Regions of War and Peace*, Cambridge, Cambridge University.
23. Lewicki, Roy and ... (1999), *Negotiation*, New York, Mc Grew Hill Higher Education.
24. McInnis, Khatleen (2005), extended deterrence: the us credibility gap in the Middle East, *the Washington quarterly*, summer, 91-69.
25. Mokhtari, Fariborz (2005), "No One Will Scratch My Back: Iranian Security Perception in Historical Context", *The Middle East Journal*, pp. 209-229.
26. Morgan, Patrick. M (1997), *Deterrence: a Conceptual Analysis*, Devilry Hills, Ca, Sage.



27. Morgan, Patrick, and Zagare D. Mare Kilgour (2000), *Perfect Deterrence*, Cambridge, Cambridge university press.
28. Paul hth (1998), *Extended Deterrence and Prevention of War*, New Haven, Yale University Press.
29. Payne, Keith, b. (1998), "Post Old War Requirements for Us Nuclear Deterrence", *Policy, Comparative, Strategy*, 17, pp2-27.
30. Rhodes, Edward (2000), "Conventional Deterrence", *Comparative Strategy*, 19, pp221-253.
31. Russell James a(2004), Nuclear Strategy and the Modern Middle East, *Middle East Policy*, vol xi, no3 pp,98-117.
32. Singer Lkening,-dean and Kenneth Watman (1995), Nuclear Deterrence in Regional Contextm Santa.
33. Monica ca Wildavsky, a (1993), *The Real World Order: Zone of Peace, Zone of Turmoil*, Chatham, Chathome house.
34. Signorino, Curtis.s and Ahmer Tarar.a (2006), "Unified Theory and Test of Extended Immediate Deterrence", *American Journal of Political Science*, vol, 50, no3, pp586-605.
35. Tang Shiping (2004), "A Systemic Theory of the Security Environment", *The Journal of Strategic Studies*, vol 27, no1, pp: 1-34.
36. Van Evera, Stepgen (1998), "Offence, Defense, and Causes of War", *International Security*, 22/3 winter.
37. Vayrynen, raimo (2006), "Preventive Action by Military Mean s:a Contested Approach", *Global Society*, vol11, pp69-83.
38. Wirtz, James j (2004), "Disarmament Deterrence and Denial", pp: 383-395.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی